

فلسفہ اسلامے

با نگرشے جدید

جلد دوم / خدا

www.ketab.ir

فریال اسکندری

به نام خداوند جان و خرد

سرشناسه	: اسکندری، فریال، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه اسلامی با نگرشی جدید/ فریال اسکندری.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ج. ۲.
شابک	: دوره: ۱- 978-622-270-062-1؛ ج. ۱: 4- 978-622-270-061-1؛ ج. ۲: 5- 978-622-270-064-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۳-۲۱۵.
مندرجات	: ج. ۱. انسان. ج. ۲. خدا.
موضوع	: ارسطو -- ۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م. -- دیدگاه درباره نفس
موضوع	: Aristotle -- Views on spirit
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. -- دیدگاه درباره نفس
موضوع	: Avicenna -- Views on spirit
موضوع	: صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. -- دیدگاه درباره نفس
موضوع	: Sadradding shirazi, Mohammad ebn Ebrahim-- Views on spirit
موضوع	: فلسفه اسلامی
موضوع	: Islamic philosophy
موضوع	: خود (فلسفه)
موضوع	: Self (Philosophy)
موضوع	: انسان (فلسفه)
موضوع	: Personalism
موضوع	: فیلسوفان -- دیدگاه درباره نفس
موضوع	: Philosophers -- Views on spirit
رده بندی کنگره	: BBR۱۴
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۶۰۱۴۷



فلسفه اسلامی با نگرشی جدید (جلد دوم/خدا)

تألیف: فریال اسکندری

صفحه آرای: نجمه اسکندری نیا ○ طرح جلد: نجمه شهابی
لیتوگرافی و چاپ: دنیا ○ چاپ اول: ۱۴۰۰ ○ تیراژ: ۵۰۰ جلد
حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۲۲۲۶۶۱۰۶۱-۲۲۲۲۹۶۷۶ نمابر

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۱۵۲۲-۸۸۹۲۱۵۲۱-۲۱

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www. navideshiraz. com

شابک: ۵-۰۶۴-۲۷۰-۶۲۲-۹۷۸ ISBN: 978-622-270-064-5

شابک دوره: ۱-۰۶۲-۲۷۰-۶۲۲-۹۷۸

۸۵/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	فصل اول: برتراند راسل و بهترین جهان ممکن
۳۷	فصل دوم: دیوید هیوم و کونتین اسمیت
۶۷	فصل سوم: ریچارد داوکینز
۱۰۳	فصل چهارم: نظریه اصالت وجود در مقابله با اصالت عدم

پیشگفتار

بحث وجود یا عدم وجود خداوند به عنوان خالق هوشمند جهان، مسئله‌ای مهم و بلکه مهم‌ترین مسئله‌ای است که عقل بشر می‌تواند به آن بپردازد و از آنجاکه فلسفه تفسیر عقلانی جهان و کار او پاسخ به سؤال‌های اساسی انسان است، خدا باید مهم‌ترین مسئله فلسفه باشد. با نگرشی به آنچه که از فلسفه اسلامی در دست داریم، درمی‌یابیم که توجه به خدا و اثبات وجود او، بخش اندکی از میراث فلسفی ما را به خود اختصاص داده است و جز براهینی که بر اساس نظریه امکان و وجود و یا اصالت وجود بنا شده و مسائلی چند در اطراف آن، فلسفه ما به این مسئله نپرداخته است. در مقابل، فلسفه غرب به مسئله خدا توجه کرده است و بر «له» و اکثراً «علیه» وجود او به ارائه دلایلی پرداخته است و این می‌تواند یکی از کاستی‌های فلسفه‌ای باشد که نام یک دین بزرگ را به خود ضمیمه کرده است. فیلسوفان خداناباور شبهاتی را بر مسئله وجود خدا وارد کرده‌اند که اگرچه تاکنون در حوزه کلام پاسخ‌های صحیح و مؤثری به آن‌ها داده شده است؛ اما باید توجه داشت که پاسخ به این شبهات تنها منحصر به حوزه کلامی نیست؛ زیرا در جهان امروز، فلسفه داعیه‌دار آن‌هاست. درواقع می‌خواهیم بگوییم: «شبهات فلسفی نیازمند پاسخی فلسفی هستند.» برخی فلسفه را فاقد توانایی و صلاحیت برای ورود به حوزه اثبات و رد یا شناخت خدا می‌دانند، درحالی‌که فلسفه نه تنها توانایی پرداختن به مسئله وجود خدا را دارد؛ بلکه پرداختن به این مسئله برای فلسفه با توجه به آنچه ذکر شد، ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که گفته شد، اگرچه فلاسفه ما در این زمینه تلاش‌های مؤثری را انجام داده و برهان‌هایی را ارائه کرده‌اند؛ اما با توجه به شبهات جدید، توجه به این مسئله باید بر اساس الگوهای جدید تداوم یابد.

اگر مسئله امروز عالم خداناباوری است، آیا فلسفه اسلامی می‌تواند به آن بپردازد؟ اگر نمی‌تواند؛ پس چرا متکران از این ابزار فلسفه در اثبات نظریات خود بهره می‌برند و اگر می‌تواند؛

پس چرا در برابر این جریان، خاموشی گرفته و همچنان سرگرم تکرار مسائل گذشته باقی مانده است؟ پس رسالت عقل در فلسفه برای آنچه در جهان امروز می گذرد، چیست؟ آیا درست است که فلسفه اسلامی از کنار بزرگ‌ترین سؤال فلسفی مطرح در جامعه بشری امروز که «آیا جهان خالقی دارد یا نه» بی تفاوت بگذرد و آن را مسئله‌ای صرفاً کلامی تلقی کند، درحالی که رسالت اصلی فلسفه، پاسخ عقلانی به سؤالات اساسی بشر است؟ آیا صحیح است که فلسفه غرب به خدا و انسان به عنوان مهم‌ترین مسائلی که باید درباره آن اندیشید بپردازد و فلسفه در شرق به تکرار مکررات گذشته دل خوش کند؟

گفتار حاضر ضمن تأکید بر ارزشمندی و غنای نظریات پیشینیان، تنها تلاشی ولو ضعیف و اندک، برای گام‌نهادن فلسفه در جهانی است که خدا به عنوان یکی از مهم‌ترین سؤال‌های آن مطرح است؛ فلسفه‌ای که می‌تواند هماهنگ با گام‌های عقل، انسان را به حقیقت والای هستی نزدیک‌تر کند یا او را در چالشی عقلانی در شناخت حقیقت درگیر کند و در هر حال «ابزار، اندیشه است و هدف، شناخت».